بیشه: جنگل

خفته: خوابیده

موشکی: موش کوچکی

آشفته: بی نظم، درهم و برهم

گه: گاه

متغیّر: عصبانی، خشمگین

گرفتار: اسیر

بازی گوش: کسی که به فکر بازی و تفریح است

یک غازی: بی ارزش

با دم شیر می کنی بازی: داری کار خطرناکی انجام می دهی

هراس: ترس

التماس: اصرار کنان



درس پانزدهم

شیر و موش

بود شیری به بیشه‌ای، خفته — موشکی کرد، خوابش آشفته

آن قدر گوشِ شیر، گاز گرفت — گه رها کرد و گاه باز گرفت

تا که از خواب، شیر شد بیدار — متغیّر ز موشِ بد رفتار

دست بُرد و گرفت کلّه‌ی موش — شد گرفتار، موشِ بازی‌گوش

خواست در زیر پنجه، له کُندَش — به هوا بُرده بر زمین زَندَش

گفت: ای موشِ لوسِ یک غازی — با دُمِ شیر می‌کنی بازی

موش بیچاره در هراس افتاد — گریه کرد و به التماس افتاد

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی